فصلنامه علمی اقتصاد و بانکداری اسلامی، شماره سی و پنجم، تابستان ۱۴۰۰- صفحات ۲۷۱-۲۴۹

بررسی ابعاد حقوقی و مالی نقش توسعه اقتصادی و پیامدهای آن بر حکمرانی خوب

نوع مقاله: پژوهشی

محسن امامی قشلاق[۱]
حسین بی زوال[۲]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۵/۲۷

چکیده

زمینه و هدف: *هدف این پژوهش نقش توسعه اقتصادی بر حکمرانی خوب(مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران) بود.*

روش: *این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفته است. در این روش با بررسی نظری در پی تحلیل و توصیف مفاهیم و متغیرهای موضوعی پژوهش بوده‌ایم.*

یافته‌ها: *حکمرانی خوب راه‌حلی برای اغلب مشکلات دولت‌ها از قبیل فساد، افزایش هزینه‌های نظامی و ناکارآمدی ساختارهای اجرائی و قضائی دارد که برای دولت‌ها بسیار ارزشمند است و لیکن دولت‌های که با ساختارهای بسته و سیستم غیر منعطف اداره می‌شوند و از وابستگی‌های متقابل جهانی در هراس هستند، نمی‌توانند از امتیازات که برنامه حکمرانی خوب در اختیار دولت‌ها قرار می‌دهند بهره‌مند شوند.*

نتیجه‌گیری: *نتایج نشان داد که توسعه روابط بین‌الملل با افزایش کمک نهادها و سازمان‌های بین‌المللی در زمینه‌های مختلف و دریافت وام‌های خارجی در جهت توسعه بخش‌های زیر بنائی و کاهش ریسک‌پذیری و ایجاد امنیت برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و افزایش تولید ناخالص ملی بواسطه رشد سرمایه-گذاری و رشد و گسترش کیفی و کمی نهادهای جامعه مدنی که مشارکت بخش‌های دولتی و خصوصی را در پی خواهد داشت و کاهش هزینه‌های نظامی و اداری حاصل از اصلاح قوانین و ساختارها و نگرش حاکمان زمینه حکمرانی خوب را فراهم می‌آورد.*

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، دولت خوب، توسعه اقتصادی، جمهوری اسلامی، بروکراسی
طبقه‌بندی JEL: K00

---

[۱] استادیار گروه حقوق، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران (نویسنده مسئول).
m_emami63@yahoo.com
[۲] کارشناسی ارشد، اقتصاد اسلامی، دانشگاه ازاد اسلامی ، مرند، ایران Hosseinmk2016@gmail.com

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

مقدمه

حکمرانی خوب شامل ساز و کارها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آن ها به شهروندان، گروه ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال حقوق قانونی خود را اجرا می کنند و تعهداتشان را برآورده می سازند و تفاوتشان را تعدیل می کنند (یگانگی و الوانی، ۱۳۹۵). با توجه با حیطه مدیریت دولتی حداقل سه جهت گیری می توان مشخص کرد اول اینکه مدیریت دولتی را بخشی از فرایند دولت دانست که به تدوین و اجرای خط مشی عمومی می پردازد و آن را وابسته به علم سیاست محسوب کرد که به اصطلاحاتی نظیر عدالت، آزادی، انصاف، پاسخگوی و غیره اشاره می کند از این دیدگاه تئوری سازمان دولتی صرفا بخشی از تئوری سیاسی به حساب می آید. دوم اینکه سازمان های دولتی را همانند سازمان های خصوصی مد نظر قرار داد با دغدغه هایی مشابه در مورد مسائلی نظیر کارایی، اثربخشی، الگوهای انگیزشی و نظایر این موارد از این دیدگاه تئوری سازمان دولتی بخشی از تئوری سازمان است و سومین جهت گیری که مدیریت دولتی را به عنوان یک حرفه در نظر گرفته که همچون پزشکی و حقوق از دیدگاه های نظری مختلفی استخراج می شود مطابق این دیدگاه تئوری سازمان دولتی هم دست نیافتنی هست و هم تا مطلوب و از آنجایکه برخی از دانشمندان عرصه مدیریت دولتی نظیر رابرت دنهارت محور اداره امور عمومی را کسب دانش تعریف کرده اند تا مدیران به مقتضای آن تصمیمات و اقدامات عملی را اتخاذ و پیشه خود سازنده و باز به این دلیل که تئوری ها، تامین کننده دانش اصلی مورد نیاز ما بوده و نظریه ها نیز معمولا خود را در مدل ها به نمایش می گذارند؛ لذا در این پژوهش سعی شد با توجه به جهت گیری های سه گانه سیاسی، سازمانی و حرفه ای (دنهارت) در نقطه تلاقی تئوری های سیاسی و سازمانی مدیریتی مدلی شکل گیرد که همان حاکمیت (دموکراتیک) اثربخش دنهارت بوده با مقداری مسامحه حکمرانی خوب تلقی می شود. حکمرانی خوب الگوی جدیدی برای توسعه پایدار است که بر همکاری مبتنی بر شراکت و تعامل سه بخش دولتی، خصوصی و مدنی تأکید دارد تا به موجب آن کشورها بتوانند از همه توانمندی های خود در توسعه همه جانبه استفاده کنند (باقرزاده و همکاران، ۱۳۹۹).

۱. بیان مسئله

بیش‌تر نتایج تجربی به دست آمده، حاکی از این امر است که ابعاد مختلف توسعه اقتصادی، رابطه تنگاتنگی با متغیرهای حکمرانی دارد (سوریا دراما، ۲۰۰۸؛ موسکا، ۲۰۰۷؛ راجکومار و اسواروپ، ۲۰۰۷؛ کافمن[1] و همکاران، ۲۰۰۴؛ بورساید و دلار، ۲۰۰۰). این مطالعات به تجزیه و تحلیل آثار

[1] Kaufman

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

فساد و مشکلات مربوط به نهادهای حکومتی بر روی متغیرهای مختلفی، از قبیل رشد اقتصادی، سرمایه گذاری بخش خصوصی، سرمایه گذاری مستقیم خارجی و هزینه های دولت، پرداخته اند. با توجه به نتایج به دست آمده می توان عنوان کرد که حکمرانی خوب نقش غیرقابل انکاری در افزایش تأثیرگذاری هزینه های دولت دارد، به عبارت دیگر، هزینه های بهداشتی دولت در کشورهایی که شاخص های بهتری در فساد و بوروکراسی داشته اند، تأثیر بیشتری در کاهش مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال داشته است، زیرا کاهش فساد و بهبود وضعیت بوروکراسی در نهادهای اجرایی، کارکرد هزینه های دولتی در امر بهداشت را افزایش داده است. این نتایج برای هزینه های آموزشی نیز صادق است و افزایش هزینه های آموزشی دولت در کشورهایی که از فساد پایین و بوروکراسی مطلوب‌تری برخوردارند، تأثیرگذاری بیشتری بر متغیرهای آموزشی داشته و متغیرهای حکمرانی مورد استفاده، تفاوت های مشاهده شده در تأثیرگذاری هزینه های بهداشتی و آموزشی کشورهای مختلف را به خوبی توضیح می دهد. با توجه به این موضوع، می توان دلیل شکست در نیل به اهداف برخی از هزینه های دولت را در وجود فساد و بوروکراسی پیچیده و غیر کارآمد در دستگاه‌های مختلف حکومتی دانست (صباغ کرمانی و سخا، ۱۳۸۸).

مفهوم حکمرانی خوب بخصوص پس از پایان جنگ جهانی دوم، ورود نظریات رفتارگرایانه و علمی به پژوهش‌های حوزه علوم انسانی و ضرورتاً علوم سیاسی و روابط بین الملل، جایگاه ویژه ای در نزد نظریه پردازان علوم سیاسی و روابط بین الملل پیدا کرده است، آنچه که باید به آن اذعان کرد اینست که پس از سال ۱۹۷۰ و چرخش ساختارگرایانه و نیز تحولات مهم در قالب جهانی شدن و تسری سیاست به سایر حوزه‌ها زمینه بازنگری در این مفهوم پیش از پیش احساس می شود.

از سوی دیگر، رشد و تنوع و وسایل ارتباط جمعی نیز به باز شدن فضای اطلاعاتی کمک کرده تا بتوان حکمرانی های خوب و بد را از یکدیگر تمیز داد. همچنین نفوذ نهادهای بین المللی در ساختار دولت و ملت هم بر زیر ذربین رفتن رفتار دولت ها کمک کرده و از این رو، حاکمان نمی توانند آنچه را که انجام می دهند از شهروندان خود پنهان سازند. بعلاوه، همانطور که حکمرانی خوب در محیط‌های فکری و نظام سیاسی بسته اعمال نمی شود، در فرآیند جهانی شدن و در عرصه مناسبات نظام بین الملل کشورهای که با سیستم بسته اداره می شوند، از اینکه قدرت شان آسیب‌پذیرتر گشته، سخت در هراس بوده و سعی دارنداز این مفهوم، فضای تهدید بسازند. در حالیکه اگر آنرا بصورت یک فرصت جهانی برای توسعه و همکاری تلقی کنند، در اداره داخلی حکومت نیز موفقیت بیشتری کسب خواهند کرد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

علاوه بر این موارد حکمرانی خوب راه‌حل‌های برای اغلب مشکلات دولت ها از قبیل فساد، افزایش هزینه های نظامی و ناکار آمدی ساختارهای اجرائی و قضائی دارد که برای دولت ها بسیار ارزشمند است و لیکن دولت های که با ساختارهای بسته و سیستم غیر منعطف اداره می شوند و از وابسته گی های متقابل جهانی در هراس هستند، نمی‌توانند از امتیازات که برنامه حکمرانی خوب در اختیار دولت‌ها قرار می‌دهند بهرمند شوند در واقع عرصه نظام بین الملل از منظر کارشناسان و اندیشمندان سیاست بین الملل به سمتی حرکت می‌کند که دیگر دولت‌ها را بازیگران اصلی ندانسته و کنشگران دیگری در عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی وارد صحنه معادلات می کند.

اهمیت و ضرورت این پژوهش از آن جهت است که مفهوم حکمرانی خوب بخصوص پس از پایان جنگ جهانی دوم، ورود نظریات رفتارگرایانه و علمی به پژوهش‌های حوزه علوم انسانی و ضرورتآ علوم سیاسی و روابط بین الملل، جایگاه ویژه ای در نزد نظریه پردازان علوم سیاسی و روابط بین الملل پیدا کرده است، آنچه که باید به آن اذعان کرد اینست که پس از سال ۱۹۷۰ و چرخش ساختارگرایانه و نیز تحولات مهم در قالب جهانی شدن و تسری سیاست به سایر حوزه‌ها زمینه بازنگری در این مفهوم پیش از پیش احساس می شود. در واقع در دنیای بشدت جهانی شده که دولتها به واسطه وابستگی متقابل سیاسی، اقتصادی و امنیتی محدود شده اند رابطه میان دو مفهوم تحولات نظام بین الملل و روابط بین الملل و حکمرانی خوب از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. در واقع مناسبات جدید در عرصه بین الملل بر تعدد بازیگران جهانی افزوده است، ضمن بیان قدرت موسسات بین المللی و سازمانهای غیردولتی فراملی، حاکمیت دولت ها را با چالش مواجه ساخته است. این امر سبب شده تا ارتباطات فرا ملی بصورت غیرمستقیم افزایش یافته و در نهایت حکومت‌گری ها، دیگر به صورت کاملا بسته شکل نگیرد. در این فرآیند، آنچه که از سوی حکمرانان در جوامع شان عمل می شود، در ابعاد گسترده مورد بررسی جامعه جهانی قرار می گیرد.

از سوی دیگر، رشد و تنوع و وسایل ارتباط جمعی نیز به باز شدن فضای اطلاعاتی کمک کرده تا بتوان حکمرانی های خوب و بد را از یکدیگر تمیز داد. همچنین نفوذ نهادهای بین المللی در ساختار دولت و ملت هم بر زیر ذربین رفتن رفتار دولت ها کمک کرده و از این رو، حاکمان نمی توانند آنچه را که انجام می دهند از شهروندان خود پنهان سازند. بعلاوه، همانطور که حکمرانی خوب در محیط‌های فکری و نظام سیاسی بسته اعمال نمی شود، در فرآیند جهانی شدن و در عرصه مناسبات نظام بین الملل کشورهای که با سیستم بسته اداره می شوند، از اینکه قدرت شان آسیب‌پذیرتر گشته، سخت در هراس بوده و سعی دارنداز این مفهوم، فضای تهدید بسازند. در حالیکه اگر آنرا بصورت یک فرصت جهانی برای توسعه و همکاری تلقی کنند، در اداره داخلی حکومت نیز موفقیت بیشتری کسب خواهند کرد.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

علاوه بر این موارد حکمرانی خوب راه‌حل‌های برای اغلب مشکلات دولت ها از قبیل فساد، افزایش هزینه های نظامی و ناکار آمدی ساختارهای اجرائی و قضائی دارد که برای دولت ها بسیار ارزشمند است و لیکن دولت های که با ساختارهای بسته و سیستم غیر منعطف اداره می شوند و از وابسته گی های متقابل جهانی در هراس هستند، نمی‌توانند از امتیازات که برنامه حکمرانی خوب در اختیار دولت‌ها قرار می‌دهند بهرمند شوند در وافع عرصه نظام بین الملل از منظر کارشناسان و اندیشمندان سیاست بین الملل به سمتی حرکت می‌کند که دیگر دولت‌ها را بازیگران اصلی ندانسته و کنشگران دیگری در عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی وارد صحنه معادلات می کند. با توجه به مطالب یاد شده، دولتها در راستای تحقق الگوی حکمرانی خوب باید در مسیر تحولات جهانی گام برداشته و به رفتارها و سازگارهای جدیدی متوسل شده و به نقش کنشگران تازه وارد توجه کنند.

لذا با توجه به مطالب یاد شده، دولتها در راستای تحقق الگوی حکمرانی خوب باید در مسیر تحولات جهانی گام برداشته و به رفتارها و سازگارهای جدیدی متوسل شده و به نقش کنشگران تازه وارد توجه کنند. سوال پژوهش این است که توسعه اقتصادی بر حکمرانی خوب چه نقشی دارد؟

جدول ۱. پیشینه ی تحقیق

نام محقق	تاریخ انجام تحقیق	نام کتاب یا مقاله	نتایج
سلیمی و کریمی پور	۱۳۹۸	حکمرانی ، درآمدی بسیار کوتاه	نویسنده کتاب در پژوهش خود معتقد است که حکمرانی به‌طور خلاصه می‌تواند به معنای تمامی فرآیندهای حکومت کردن باشد . این واژه ، تمرکز برنهادهای رسمی حکومت را با شناسایی فعالیت‌های بسیار گسترده‌ای که فراتر از مرزهای دولت و جامعه است تکمیل می‌کند این واژه توجه را به‌سوی فرایندها و برهم‌کنش‌های پیچیده‌ای که در حکومت کردن دخیل‌اند معطوف می‌کند
بهروز و قربانی	۱۳۹۶	حکمرانی خوب	درواقع اصل مهمی که در این کتاب بر آن تأکید شده ارائه تعریفی از حکمرانی به معنای اداره کردن قواعد سیاسی رسمی و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

			غیررسمی یک بازی عنوان نموده‌اند و حکمرانی را در بستر معیارهای جای می‌دهد که شامل وضع قواعد برای اعمال قدرت و حل‌وفصل تعارضات در عرصه سیاست بین‌الملل و سیاست داخلی در چارچوب قواعد مطرح‌شده است.
ابراهیم پور و الیکی	۱۳۹۵	نقش حکمرانی خوب در کارآمدی دولت‌ها	نتایج تحقیق نشان می دهد همچنین حکمرانی خوب نتیجه تعامل و کارکرد قوای یک کشور در عرصه نظام بین‌الملل و سیاست داخلی خود است دولت‌ها را بر آن داشته تا بر تکیه‌بر این مفهوم و ارائه شاخص‌های آن در حیطه کشور خود بتوانند جایگاه مستحکم برای خود در میان شهروندان و افکار عمومی بیابند.
پارسا نصب	۱۳۹۴	مروری بر حکمرانی خوب کلید معمای توسعه	اگرچه نویسنده تأکید می‌کند که ما شاهد الگوی از حکمرانی خوب نیستیم تنها به بزرگ‌نمائی بخشی از این الگوها تأکید دارد درحالی‌که پژوهش داخلی سعی نموده‌ایم تا مفاهیم و الگوهای مختلف حکمرانی خوب چه در بستر سیاست‌گذاری داخلی و چه در بستر سیاست‌گذاری خارجی را مبنای عمل خود قرار داده و به یک توازن در این حوزه دست‌یابیم.
کوین مورگان و همکاران	۲۰۲۱	رسیدن به دانمارک: دیالکتیک حکمرانی و توسعه در پیرامون اروپا	نهادهای خوب و کیفیت بالای حکمرانی عموماً پیش نیازهای رشد اقتصادی و سایر نتایج مثبت اجتماعی-اقتصادی در نظر گرفته می‌شوند .این به دلیل نقش آنها در چارچوب تصمیم گیری توسط عوامل، از جمله سیاست گذاران، صاحبان مشاغل یا افراد است .علیرغم مشارکت‌های نظری و تجربی فراوان در مطالعه آنها، ما استدلال می‌کنیم که سه عنصر شایسته توجه بیشتر هستند .اول اهمیت اجتناب از دوگانگی های ساده بین

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

			نهادهای خوب و بد است، طبقه بندی که به همان اندازه که آشکار می کند مبهم است .دوم، نیاز به جدی‌تر گرفتن ماهیت چند مقیاسی نهادها، به‌ویژه هنگام مطالعه سیاست‌های منطقه‌ای است .سوم، تعادل بین ساختار و عاملیت است، که از خوانش قطعی اجتناب می کندتوسعه نیافتگی.
حمیرا حسین و همکاران	۲۰۲۰	رابطه غیرخطی رشد اقتصادی و تفاوت های ظریف جهانی شدن با طبقه بندی درآمد: نقش های توسعه مالی و حکمرانی	ما شواهد تازه‌ای ارائه می‌کنیم مبنی بر اینکه تأثیرات جهانی‌سازی بر رشد اقتصادی در کشورهایی با QoG بالاتر و عمیق‌تر شدن FDعمیق‌تر است .ما بیشتر استحکام تحلیل خود را با استفاده از آن بررسی می کنیمآزمون Uو روش های تعمیم یافته پویا رویکرد لحظه ای.
سرجیو باریل و همکاران	۲۰۲۰	نقش شهر در اقتصاد اشتراکی: به سوی چارچوبی یکپارچه از شیوه ها و مدل های حکمرانی	.برای پرداختن به این موضوع، ما یک تحلیل ترکیبی برای ترسیم ۱۳۴ شیوه و سیاست مستقر در ۷۵ شهر در سراسر جهان ایجاد کردیم و تأثیر نقش‌های حاکمیتی شهرداری‌ها را بر پارادایم شهر به اشتراک گذاشتیم .با تکیه بر نتایج خود، ما یک چارچوب یکپارچه برای حکومت شهری پیشنهاد می کنیم که بر اهمیت مشارکت فعال شهرداری ها در اجرا و اجرای طرح های اشتراک گذاری موفق در شهرها و در نتیجه ارتقای پایداری شهری تاکید می کند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

۲. مبانی نظری

۲-۱. مفهوم و تعریف توسعه[1]

مفهوم توسعه طی چند دهه اخیر معنایی بسیار متغییر و وسیع داشته است. در سالهای اولیه پس از جنگ جهانی دوم این مفهوم را مترادف رشد و در همان معنای صرف اقتصادی به کار می بردند مباحث و نظریات برخی از محققان نظیر رستو[2] بر مبنای چنین تعریفی از توسعه قرار دارد. رستو توسعه را فرآیندی چند مرحله ای می داند که از مراحلی چون سنتی- انتقالی – خیز و بلوغ می گذرد و سرانجام به عالی ترین مرحله رشد یعنی مصرف انبوه می رسد. رستو هر مرحله از مراحل فوق مرحله ای می داند که از مراحلی چون سنتی - انتقالی -خیز و بلوغ می گذرد و سرانجام به عالی ترین مرحله رشد یعنی مصرف انبوه می رسد. رستو هر مرحله از مراحل فوق را از معیارهای اقتصادی نظیر سرمایه گذاری، میزان رشد سالانه، میزان مصرف و غیره متمایز کرده است. همین تعریف از توسعه مورد قبول سازمان ملل متحد نیز قرار گرفت. این سازمان که از اواخر دهه ۱۹۵۰ خود را در قبال مساله توسعه نیافتگی کشورهای موسوم به جهان سوم متعهد قلمداد می کرد، دهه ۱۹۶۰ را به عنوان اولین دهه توسعه برای این کشورها اعلام کرد. در این تعریف از توسعه و همچنین برنامه ریزی های مبتنی بر این تعریف، به مسائلی چون فقر، بیکاری و دیگر نابسامانی های اجتماعی و اقتصادی در این کشور ها توجه نمی شد (ساعی، ۱۳۸۰).

هربرت اسپنسر[3] در قرن ۱۹ این مفهوم را بسط دادند. اسپنسر جامعه را با یک ارگانیسم بیولوژیک مقایسه کرده و آنها را مشابه یکدیگر می دانست. ظهور مارکس و ارائه نظریات وی در مورد تحول تاریخی و مطرح نمودن ماتریالیسم دیالکتیک، نقطه عطفی در مفهوم توسعه به شمار می آید. تاکید مارکس بیشتر بر توسعه اقتصادی و برقراری عدالت در این زمینه بود. اندیشمندان بسیار دیگری از قبیل امانوئل کانت و آگوست کنت نیز مفهوم توسعه را در ذهن داشته اند. مفاهیم مدرنیسم، رشد، ترقی و دیگر مفاهیم مشابه نیز تاثیر بسیاری بر نظریات بعدی در مورد توسعه داشتند. بر همین اساس بود که بسیاری از اندیشمندان بین انواع جوامع تفاوت قائل شده و توسعه را امری تدریجی می دانستند. به عنوان مثال فردیناند تونیس[4] بین اجتماع و جامعه (به تعبیر خود وی، گمین شافت و گزلشافت)، امیل دورکیم[5] بین جوامع مبتنی بر همبستگی مکانیکی و جوامع

---

[1] Development
[2] Rostow
[3] Herbert Spencer
[4] Ferdinand Tönnies
[5] Emil Durkheim

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

مبتنی بر همبستگی ارگانیکی و ماکس وبر بین جوامع مبتنی بر کنشهای بیشتر احساسی و جوامع مبتنی بر کنش های بیشتر عقلانی تفاوت قائل شدند، و طبعاً برتری را به موارد اخیر نسبت می دادند. بعدها نویسندگان بسیار دیگری از قبیل گابریل آلموند، لوسین پای، لوی، مور، وربا، بایندر، روستو، آیزنشتات، هانتینگتون و وایتر تحت تاثیر این اندیشه ها به نظریه نوسازی در توسعه روی آوردند (موثقی، ۱۳۸۳).

به طور کلی توسعه، جریانی است که در خود، تجدید سازمان و سمت گیری متفاوت در نظام اقتصادی–اجتماعی سیاسی را به همراه دارد. توسعه علاوه بر اینکه بهبود میزان تولید و درآمد را در بردارد، شامل دگرگونی های اساسی در ساخت های نهادی و اجتماعی - اداری و همچنین دیدگاه های عمومی مردم است. توسعه در بسیاری از موارد، حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در بر می گیرد. از مجموع نظرات علمای توسعه در تعریف و توسعه، آن را به معنای بازسازی جامعه بر اساس اندیشه ها و بصیرت های تازه تعبیر می نماید، که این اندیشه ها و بصیرت های تازه در دوران مدرن؛ شامل سه اندیشه علم باوری، انسان باوری و آینده باوری می دانند؛ به همین منظور طبق نظر ایشان، برای نیل به توسعه، باید سه اقدام اساسی، یعنی درک و هضم اندیشه های جدید، تشریح و تفضیل این اندیشه ها و ایجاد نهادهای جدید برای تحقق عملی این اندیشه ها صورت پذیرد. به هر تقدیر، امروز تلقی ما از مفهوم توسعه، فرآیندی همه جانبه ایست که معطوف به بهبود تمامی ابعاد زندگی مردم یک جامعه، به عنوان لازم و ملزوم است، که ابعاد مختلف آن عبارتند از: توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی و اجتماعی و امنیتی است (نظرپور، ۱۳۷۸).

توسعه که معادل واژه دولوپمنت[1] می باشد به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته تر شدن - قدرتمند تر شدن و حتی بزرگ تر شدن می باشد. توسعه کوششی است برای ایجاد تعادلی تحقق نیافته یا راه حلی است در جهت رفع فشارها و مشکلاتی که پیوسته بین بخش های مختلف زندگی اجتماعی انسانی وجود دارد. توسعه را می توان به معنای کاهش فقر بیکاری - نابرابری صنعتی شدن بیشتر ارتباطات بهتر ایجاد نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت و افزایش مشارکت مردم در امور سیاسی تعریف کرد.

گرچه تعاریف متعدد و گوناگونی از توسعه شده است اما در یک جمع بندی کلی از این تعاریف می توان گفت: توسعه یعنی فراهم شدن زمینه های لازم برای بروز و ظهور ظرفیتها و قابلیتهای عناصر مختلف در اجتماع، و میدان یافتن آنها برای دست یابی به پیشرفت و افزایش توانایی های کمی و کیفی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در بطن جامعه و حکومت همان گونه که از این تعریف

[1] Development

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

بر می آید توسعه نه منحصر به توسعه اقتصادی یا توسعه سیاسی است و نه صرفا در بر گیرنده شاخصهای کمی رشد.

بدین ترتیب باید اذعان کرد که گرچه در اکثر موارد توسعه با رشد کمی اقتصادی مترادف انگاشته می شود اما در حقیقت مفهوم توسعه گسترده تر از این است و حیطه عام تری را در بر می گیرد که شاید بتوان گفت توسعه اقتصادی تنها بخشی از یک دایره وسیع را به خود اختصاص می دهد. در واقع توسعه گذشته از آنچه به تعبیر هابرماس (عقلانیت ابزاری) نامیده می شود و شامل رشد اقتصادی و گسترش تواناییهای ابزاری و افزایش تولید و ارتقاء سطح رفاه مادی است (عقلانیت فرهنگی) یا (عقلانیت ارتباطی) را نیز در بر می گیرد که به معنای گسترش زمینه های عقل و منطق گرایی، مفاهمه و ایجاد ارتباط و افزایش ظرفیتهای گفتمانی می باشد که از وجوه عمده توسعه سیاسی به شمار می رود (اخوان کاظمی، ۱۲۷: ۱۱).

۲-۲. کیفیت قوانین و مقررات و توسعه

کیفیت قوانین و مقررات مواردی چون نکات زیر را در بر می گیرد: تنظیم قوانین اختلال زا در بازار مانند کنترل قیمت ها، ایجاد موانع غیر اصولی و دست و پاگیر در صادرات و واردات، محدودیت های زاید در بازار سهام، محدودیت های تأسیس یک بنگاه اقتصادی جدید، مقررات دست و پاگیر برای تبدیل ارز و موارد مشابه که هر یک به عنوان مانعی برای توسعه اقتصادی مطرح هستند. قانون یکی از ابزارهای اصلی مداخله دولت در اقتصاد است. از دید نهادگرایان دولت و بازار مکمل یکدیگر بوده و دولت به عنوان نهاد فراگیر و با ابزار حقوق و از طریق وضع قوانین می تواند نهادهای جدیدی تعریف، تأسیس و مستقر کند. هم چنین دولت با تصویب قوانین مناسب می تواند نقش قابل توجهی در بستر سازی لازم برای کار کرد مناسب سایر نهادها و نیز کار کرد بازار در اقتصاد داشته باشد (رنانی، ۱۳۸۳). جامعه توسعه یافته جامعه ای است که قانون در آن در حد بهینه تولید شده باشد. نه چندان کم که رفتارهای بی قاعده و پر هزینه امور جامعه را مختل کند و نه چندان فراوان که راه بر انتخاب بهینه افراد بسته شود (رنانی، ۱۳۸۳).

در حقیقت تصویب هر قانون، تأسیس یک نهاد جدید است که همچون هر پدیده دیگری هزینه ها و منافعی دارد، قانونگذاری زمانی به حد بهینه خود می رسد که خالص منافع حاصل از آن به حداکثر خود برسد. از جنبه نظری می توان نشان داد که برای یک موضوع مشخص، قانون گذاری تا حد معینی منافع دارد و فراتر از آن حد، منافع رو به کاهش می گذارد. قانون گذاری دولت زمانی یک فرآیند اصلاح نهادی قلمداد می شود که دارای سه ویژگی زیر باشد (صامتی و همکاران،۱۳۹۰).

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

۲-۳. حاکمیت قانون و توسعه

تعریف سازمان ملل از حاکمیت قانون به اصول حاکمیت اشاره دارد که در آن همه افراد و نهادهای خصوصی و دولتی (شامل خود دولت) در برابر قوانین پاسخگو هستند. قوانینی که به طور عمومی منتشر شده اند، به طور مساوی اجرا می شوند، به طور مستقل حکم می شوند و ضمنا سازگار با حقوق بشر بین المللی هستند. بر اساس تعریف بانک جهانی حاکمیت قانون به دنبال محدود کردن قدرت دولت و محافظت از حقوق شهروندان در مقابل سوء استفاده با استفاده خودسرانه دولت از قدرتش است. حاکمیت قانون تنها قواعد و مقرراتی نیست که توسط قانون وضع می شود، بلکه تضمینی است برای آزادی، حقوق بشر و رفتاری یکسان با شهروندان در برابر قانون (واتسون, ۲۰۰۳). در الگوی حکمرانی خوب دولت یک فضای مفید حقوقی و سیاسی، بخش خصوصی شغل و درآمد و جامعه ی مدنی تعاملات سیاسی و اجتماعی را تسهیل می کند، بنابراین تمام نیروهای اجتماعی در عرصدی اقتصادی مشارکت دارند. بازیگران این ساختار کنش و نقش فعالی در عرصه ی بین المللی از طریق تعامل با دیگر دولت ها، نهادهای غیردولتی و سازمان های بین المللی دارد و عرصه را برای فعالیت اقتصادی گسترش می دهد (صفریان و همکاران،۱۳۹۸).

مؤلفه های حکمرانی خوب از پایه های اصلی برای کاهش هزینه های انتقال و بازار رقابتی و همچنین حرکت دادن سرمایه به بخش های مختلف اقتصادی با ارزش افزوده بالا و افزایش تولید است. از طرفی دیگر، موازنه سازی سیاسی از طریق توزیع قدرت و ثبات ائتلاف ها، محیط مناسبی برای رشد اقتصادی فراهم می کند (هاماچ[1]، ۲۰۱۷).

حکمرانی خوب نقش مؤثری در تدارک مفید و بهتر منابع هم سرمایه و هم کار دارد و در نهادینه کردن رشد و توسعه، مقابله با فساد در انواع مختلف آن باشفاف کردن فرآیند ها، پویا شدن ساختارها و کارآمدی یک قوه قضاییه ی مستقل است (اختررحیمی، ۲۰۱۸) بر این اساس، یکی از جنبه های اساسی و تبیین کننده ی ماهیت حکمرانی خوب شفافیت است که در عرصه ی اقتصادی هرگونه رانت و ویژه خواری از بین می برد و شرایط را برای رقابت سالم و بروز استعدادها فراهم می سازد و این خود می تواند به برقراری عدالت اجتماعی در جامعه کمک کند و زمینه را برای توزیع عادلانه امکانات و مواهب فراهم سازد (میسرز۲[2]، ۲۰۱۴). در این فضا کسب و کارها هم گسترش می یابد، سرمایه گذاری و تولید داخلی هم رشد می کند و به نوعی رویه های قانونی در جهت شکوفایی اقتصادی هستند. حکمرانی خوب از نظر شکلی با نظام اداری کارآمد و حاکمیت قانون، ارائه ی خدمات به جامعه با بهترین استفاده از منابع و سازمانده ی منطقی و پویاساختارها

[1] Hammache
[2] Measerse

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

مدیریت توسعه را انجام می دهد. با ترتیبات قانونی و نهادی قراردادها، توافقات و معاملات در عرصه ی اجتماعی در مسیر از پیش تعیین شده قرار می گیرد (صفریان و همکاران، ۱۳۹۸).

بر این اساس، الگوی حکمرانی خوب از طریق حق اظهار نظر و پاسخگویی به تقویت آگاهی های عمومی و شفافیت منجر می شود و صاحبان کسب و کار از بینش و قدرت لازم برای نقد سیاست های اقتصادی نادرست و مقابله با تغییرات نابه جا برخوردارند، با ثبات سیاسی انگیزه ی کافی برای تولید و سرمایه گذاری وجود دارد و به نوبه آن تولید ناخالص داخلی و درآمد سرانه افزایش می یابد. با بوروکراسی کار آمد هماهنگی ها و انجام امور تسریع می شود. کیفیت قوانین و مقررات در کاهش هزینه ها و رفع موانع کمک کننده خواهد بود. با حاکمیت قانون حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادها تضمین می شود. با کنترل فساد ابتکار و نوآوری بر رانت و رشوه غلبه کرده و ظرفیت های فنی جامعه ارتقا پیدا می کند و جذابیت های اقتصادی بیشتر می شود (محمودی، ۱۳۹۶).

در مجموع مشارکت عادلانه، کارآمدی، پاسخ گویی شرایط را برای ایجاد محیطی توانمند فراهم می کند و عرصه برای کارآفرینی و تحرک هم در حوزه عمومی و خصوصی هموار می شود. از مالکیت معنوی و مادی کارآفرینان حمایت می شود و آن به عنوان محرکی برای سرمایه گذاری و رشد اقتصادی عمل می کند. زمینه برای انجام کسب و کار با ایجاد تشکل های قدرتمند نظارتی تسهیل می شود. با دستورالعمل های روشن، یکپارچه و شفاف کسب وکارها پشتیبانی می شود. شرکت ها در جهت صحیح تنظیم شده به فعالیت می پردازند و حقوق مالکیت افراد را تضمین می کند. نقش منطقی دولت و ساختار اداری ضمن تسریع فرآیندها موجب کاهش فساد و بهبود فضای کسب و کار می شود. لذا دو کارکرد مهم اقتصادی الگوی حکمرانی خوب ساختار انگیزشی مناسب و ایجاد عنصر اطمینان است (صفریان و همکاران، ۱۳۹۸).

۳. کانال های اثر گذاری حاکمیت قانون بر توسعه

۳-۱. حمایت از حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادها

ارتباط میان حقوق مالکیت، حسن اجرای قراردادها و توسعه اقتصادی از کانال های متفاوتی مورد بررسی قرار می گیرد که در همه آن انگیزه ها نقش محوری ایفا می کنند. هر چه حقوق مالکیت پیشرفته تر باشد، افراد انگیزه بیشتری برای سرمایه گذاری دارند. چرا که مالکان اطمینان دارند در آینده به سود حاصل از سرمایه گذاری های خود خواهند رسید. ضمنا زمانی که افراد نسبت به دارایی خود اختیار داشته باشند می توانند بر روی آن ها تجارت کنند. از طرف دیگر اثر بخشی حاکمیت قانون در حسن اجرای قراردادها آشکار می گردد. چرا که این عامل اعتماد بیشتری در

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

سرمایه گذاران ملی و بین المللی ایجاد می کند. وقتی این احتمال وجود دارد که شریک تجاری افراد (که ممکن است دولت نیز باشد) از قرار دادها پیروی نکند، میزان ریسک افزایش می یابد و گسترش تولید کمتر خواهد بود. بنابراین در روند توسعه اقتصادی وجود یک مکانیسم اجرایی قوی بوسیله یک ساختار قضایی مورد اطمینان برای تضمین امنیت حقوق افراد، اهمیت بسیاری دارد (ها گارد[1] و همکاران، ۲۰۰۸).

۳-۲. توسعه بازارها

توسعه بازارها اساسا یک چالش حقوقی است. بازارها در خلا به وجود نمی آیند. بلکه توسط شبکه پیچیده ای از زیرساخت های نهادی حمایت می شوند (گریف، ۲۰۰۵). قانون و نهادهای خوب بازارها را تقویت می کنند؛ چرا که هر مبادله ای در بازار نیازمند ساختاری قانونی است که متضمن به رسمیت شناختن حقوق مالکیت خریداران و فروشندگان می باشد. همچنین وجود ساز و کارهای اجرای قراردادها از جمله قوانین صریح قابل پیش بینی، شفافیت در روش ها و اجرای بی طرفانه قوانین نیز برای توسعه بازارها ضروری است (صامتی و همکاران، ۱۳۹۰).

بازارهای سرمایه نیز نقش اساسی در توسعه اقتصادی جوامع ایفا می کنند. آن ها به عنوان یک مجرا بین سرمایه گذاران و پس انداز کنندگان عمل می نمایند. در سراسر دنیا بازاریابی سهام تبدیل به یک منبع بزرگ تامین مالی خارجی برای بخش شرکتی شده است و شرکت های بزرگ از این طریق می توانند سرمایه زیادی به دست آورند و ضمنا ریسک های موجود را بین سهامداران بیشتری پخش کنند. قانون باید بتواند ابزارهایی برای به اشتراک گذاشتن ریسک، خصوصا برای سهامداران کوچک در مقابل سهامداران بزرگ ارایه دهد (لوبناه[2]، ۲۰۱۰).

۳-۳. کارآفرینی

حاکمیت قانون، کار آفرینی و توسعه کسب و کار را نیز تشویق می کند (استالپر و همکاران، ۲۰۰۶). یک کار آفرین نمی تواند در کشوری که بدون حاکمیت قانون اداره می شود آزاد باشد. کشورهایی که توسط حاکمیت قانون حکمرانی می شوند موانع کمی برای ورود به سیستم رسمی وضع می کنند اما در کشورهای در حال توسعه که اصل حاکمیت قانون در آن ها اجرا نمی شود موانع زیادی برای کار آفرینان جهت حرکت از یک وضعیت غیر قانونی به یک کسب و کار منسجم

[1] Haggard
[2] Lubna

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

وجود دارد و اکثریت کارآفرینی های کوچک در بخش های غیر رسمی مشغولند (استالپر و همکاران، ۲۰۰۶).

۴. بحث و نتیجه‌گیری

حکمرانی به معنای "نفوذ هدایت شده در فرایند های اجتماعی" است. حکمرانی موضوعی است در باره نحوه تعامل دولتها و سایر سازمانهای اجتماعی با یکدیگر، نحوه ارتباط این‌ها با شهروندان و نحوه اتخاذ تصمیمات در جهانی پیچیده است. سیستم حکمرانی چارچوبی است که فرآیند متکی برآن است؛ بدین معنی که مجموعه‌ای از توافقات، رویه ها، قراردادها و سیاست ها مشخص می کنند که قدرت در دست چه کسی باشد. تصمیمات چگونه اتخاذ گردند و وظایف چگونه انجام و ادا می شود. با توجه به آنچه در پژوهش بیان شد می‌توان گفت حکمرانی خوب به عنوان الگوی جدید توسعه است که در آن دولت باید بتواند به عنوان یکی از ارکان سه گانه با مشارکت بخش خصوصی و مدنی به فعالیت در جهت دستیابی به توسعه پایدار بپردازد. بنابراین حکمرانی خوب با ویژگیهایی که دارد در تنظیم روابط دولت، بخش خصوصی و نهادهای مدنی، به گونه‌ای عمل می‌کند که هریک از بخش ها با اثربخشی بالا به اهداف تعیین شده دست یافته، بازدهی فعالیت را حداکثر نموده و با همکاری تعاملی حداکثر استفاده از توان و ظرفیت های موجود را بنمایند. هرقدر که دولتها پاسخگوتر وکارآمدتر باشند ثبات سیاسی بیشتر حاکمیت قانون گسترده تر وفساد محدودتر شود حکمرانی خوب برقرار می‌شود. با توجه به اهمیت نظریه حکمرانی خوب پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش توسعه اقتصادی و پیامدهای آن بر حکمرانی خوب انجام شده و نتایج بدست آمده به شرح ذیل است:

به نظر می‌رسد توسعه روابط بین الملل با افزایش کمک نهادها و سازمانهای بین المللی در زمینه‌های مختلف و دریافت وام های خارجی در جهت توسعه بخش‌های زیر بنائی و کاهش ریسک-پذیری و ایجاد امنیت برای جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و افزایش تولید ناخالص ملی بواسطه رشد سرمایه‌گذاری و رشد و گسترش کیفی و کمی نهادهای جامعه مدنی که مشارکت بخش‌های دولتی و خصوصی را در پی خواهد داشت و کاهش هزینه های نظامی و اداری حاصل از اصلاح قوانین و ساختارها و نگرش حاکمان زمینه حکمرانی خوب را فراهم می آورد.

حکمرانی یکی از اساسی ترین نیازهای جوامع بشری است که ضرورت آن بر کسی پوشیده نیست. البته، اختلاف نظرهای جدی در کم و کیف آن وجود دارد، با این حال دغدغه‌ی اصلی اغلب نظریه پردازان این حوزه، اجرای عدالت و جلوگیری از استبداد، خودکامگی و برقراری نظم و امنیت است. قانون اساسی هر کشوری ضمن تعریف اصول اساسی، ساختار، سلسله مراتب، جایگاه و حدود

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

قدرت سیاسی دولت، به تعیین و تضمین حقوق شهروندان و تنظیم روابط قدرت می پردازد. حکمرانی خوب گفتمان جدیدی است که با مولفه هایی مانند قانونمندی، مشارکت، مسئولیت-پذیری، پاسخگویی، شفافیت، اثربخشی و کارایی تعریف می شود که در سال های اخیر مورد توجه قرار گرفته است.

حکمرانی خوب چیزی بیش از صرفاً مدیریت کارآمد منابع مالی واقتصادی یا ارائه خدمات عمومی ویژه است؛ حکمرانی خوب مشتمل بر یک استراتژی وسیع برای تقویت نهادهای جامعه مدنی است. و حکومت را بازتر، پاسخگوتر، حساب‌پس‌ده تر، و دموکراتیک تر می سازد؛ در این رویکرد ممکن است بهترین راه برخورد با یک مسأله ویژه برای خط مشی، تدوین مقررات مشارکت با بخش خصوصی سازی یک وظیفه باشد؛ ضمن اینکه تدارک وارائه مستقیم خدمات توسط حکومت وبوروکراسی نیز مانعی نخواهد داشت؛ این امر بستگی به شرایط دارد؛ یعنی بسته به شرایط، باید بهترین راه حکمرانی را جست وجو کرد. نظریه حکمرانی از دیدگاه نظریه حکمرانی، هدف حکمرانی خوب، به حداکثر رساندن بهزیستی عمومی وتوسعه پایدار انسانی، رضایت مادی ومعنوی با رفع نیازهای اساسی وحمایت از حقوق اساسی از قبیل آزادی وگسترش دایره انتخاب هاست، در حالی که حکمرانی بد یا ضعیف، موجب رشد کندتر، خدمات عمومی ناکارآمد، وفرصت های از دست رفته می شود. در ادبیات نظریه حکمرانی از این مقوله تحت عنوان «کارایی و اثربخشی» یاد می‌شود. طبق تعریفی که برنامه توسعه سازمان ملل ارائه کرده است: حکمرانی خوب خوب مستلزم وجود فرایندها ونهادهایی است که حاصل آن تأمین نیازهای جامعه توأم با بهترین استفاده از منابع در دسترس است. بنابراین در مقوله کارایی واثربخشی دو بحث مطرح است: اول حضور فرایندها ونهادهای مورد نیاز در جامعه و دوم، سازماندهی آنها به گونه ای که به تأمین نیازهای عمومی واستفاده بهینه از منابع (اعم ازمنابع مای ومنابع انسانی) منجر شود.

حکمرانی خوب مترادف با اصطلاح دولت خوب نیست، چراکه دولت تنها به قوه مجریه اشاره دارد، در حالیکه حکمرانی خوب قوای سه گانه و سایر نهادهای جامعه را در بر می گیرد، دولت به ساختارهای نهادی، رسمی و اختیار و استقلال در تصمیم گیری ها اشاره دارد و حکمرانی بیان کننده رابطه بین دولت و نیروهای غیر دولتی است. دولت بیشتر بر خروجی ها تاکید دارد در حالیکه در حکمرانی بر پیامدها و نتایج تاکید می شود.

درواقع در حکمرانی خوب با افزایش آزادیهای سیاسی، آزادی مطبوعات و انتشار آزاد اطلاعات به عنوان حقوق ناظر بر اظهارنظر و پاسخگویی در بلندمدت می‌توان انتظار داشت شهروندان این قدرت را داشته باشند که اعمال دولتها را تحت نظارت و کنترل داشته باشند و همین باعث می‌شود حکومت‌ها نسبت به تأمین نیازهای مردم پاسخگوتر باشند و سیاست‌هایی را انتخاب کنند که منجر

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

به ارتقای سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری در مخارج عمومی جامعه، تخصیص بهینه منابع و درنهایت بهبود رشد اقتصادی شود. با افزایش ثبات سیاسی در بلندمدت ریسک و نااطمینانی در فضای اقتصادی کشور کاهش یافته و به‌تبع آن سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. درواقع شاخص حاکمیت قانون بیانگر آن است که در جامعه‌ای که شهروندان و حاکمان آن مطیع قانون بوده و به آن احترام می‌گذارند، قراردادهای دولتی به‌درستی اجرا می‌شوند، حقوق مالکیت محترم شمرده می‌شود، عملکرد دستگاه قضایی قابل پیش‌بینی و شکایت علیه دولت موفقیت‌آمیز می‌شود و این عامل‌ها باعث تخصیص کارآمد منابع خصوصی و عمومی به فعالیت‌های مولد شده و باعث تسریع در رشد اقتصادی می‌شوند.

نظام تصمیم‌گیری های بزرگ یا کلان همان حکمرانی یا حکمروایی است که این تصمیمات بر روی آحاد مردم یا اکثریت قریب به اتفاق آن‌ها دارای تاثیر است. حکمرانی خوب به نوعی عمل می-کند که اعتماد اکثریت شهروندان جامعه را بدست آورد ولی در مقابل حکمرانی بد، به نحوی عمل می‌کند که باعث نارضایتی شهروندان می‌شود و اولین چیزی که در این میانه آسیب می‌بیند همانا اعتماد مردم است. محورهای اساسی برای تحقق حکرانی خوب عبارتند از اثربخشی، ایجاد برابری فرصت‌ها و برابری در بهره‌مندی، برخورداری از بینش استراتژیک کارآمد، تامین نظام شفافیت در کنار پاسخگویی حکومت، اجماع‌سازی یا ایجاد رویکرد توافق‌محور در سطح ملی و اعتمادسازی عمودی و افقی محور، به دیگر سخن اعتماد مردم به حکومت و اعتماد مردم به مردم، و تحقق مشارکت حداکثری مردم در امورسیاسی و اجتماعی. اگر اعتماد مردم خدشه ببینند، هم عمودمحور و هم افقی محور است، به عبارت دیگر، اعتماد مردم به حکومت در کنار اعتماد مردم به مردم نیز خدشه پیدا می‌کند.

حکمرانی خوب یک نظریه و یا یک طرح خیالپردازانه نیست؛ امروزه کشورهای مختلفی تلاش می‌کنند تا این الگورا از تئوری به عمل درآورند. به عنوان نمونه سازمان ملل متحد در حال اجرای پرژه‌هایی در قالب حکومتداری خوب است. براین اساس انچه ما امروزه به آن نیاز داریم جرات، جسارت، نوآوری و تلاش برای ارتقای شراکت بر اساس برابری و شفافیت، و دیگر ابعاد حکمرانی خوب است.

با توجه به یافته ها و نتایج پژوهش موارد پیشنهادی ای که برای یک حکمرانی خوب می‌توان در نظر داشت که با اتکا بر این عوامل به سمت توسعه حرکت کرد و کوتاهی در هریک از این موارد باعث بی‌اعتمادی و فروریختن مشروعیت در نظر مردم می‌شود به شرح ذیل است:

پاسخ‌گویی همه نهادها: از مهم‌ترین شاخص‌های کلیدی حکمرانی خوب پاسخ‌گویی است. که پاسخ‌گویی به همه نهادهای دولتی، خصوصی، و مدنی در درون یک جامعه اطلاق می‌شود که باید

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

در برابر مردم پاسخ‌گو باشند. نه تنها نهادهای دولتی، بلکه بخش خصوصی و سازمان‌های غیر انتفاعی و غیر دولتی نیز باید به عموم مردم و ذی نفعان خود پاسخ گو باشند.

رسیدن به شفافیت: به معنای، جریان آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی آسان به ان برای همه است. شفافیت آگاهی افراد جامعه از چگونگی اتخاذ و اجرای تصمیمات است. لازمه چنین هدفی میدان دادن به رسانه و احزاب برای تجزیه‌وتحلیل و نقد در جامعه است.

جامعه مدنی فعال: شامل همه حوزه‌هایی است که پس از تعیین و تجزیه حوزه دولت باقی می‌ماند. حوزه‌ای که در آن کشمکش‌های اقتصادی، اجتماعی و ایدئولوژیک واقع می‌شوند و دولت می‌کوشد آن منازعات را از طریق وساطت یا سرکوب حل کند. کارگزاران این منازعات در درون جامعه مدنی عبارت‌اند از نیروها، طبقات، گروها، جنبش‌های اجتماعی و نهادها و گروه‌های فشار و انجمن‌ها. عمده‌ترین کارکرد جامعه مدنی در یک جامعه، هم باعث تحدید پایه‌های قدرت (شامل نظارت و کنترل بر اعمال قدرت در دولت‌های دموکراتیک و دموکراسی سازی در دولت‌های استبدادی) و هم باعث تقویت پایه‌های قدرت دولت (شامل مشارکت شهروندان، سرمایه اجتماعی، ارتقای تفکر، اعتماد به نظام سیاسی) می‌شود.

مبارزه با فساد و سلامت اداری: فساد به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی و فراگیر ممکن است در عرصه‌های گوناگون حیات اجتماعی بروز یابد و چهره‌ای خاص به خود گیرد، اما در تمام انواع فساد مانند فساد خرد، سازمان‌یافته، فساد بزرگ تعمدی بودن، غیرقانونی بودن و جایگزینی منافع خصوصی و شخصی به‌جای منافع عمومی و دولتی مشاهده می‌شود. فراگیری و گستردگی فساد موانع جدی را برای توسعه و مردم سالاری و برقراری حکمرانی خوب به وجود می‌آورد.

مشارکت فعال شهروندان: سنگ بنا اصلی حکمرانی خوب به شمار می‌رود. مشارکت مردم می‌تواند به‌صورت مستقیم و یا از طریق نهادهای مشروع واسط میان دولت و آن‌ها یا نمایندگان منتخبشان باشد. مشارکت یعنی اینکه تمامی زنان و مردان جامعه باید در تصمیم‌گیری‌ها حق اظهارنظر داشته باشند. میزان مشارکت مردم در امور جامعه یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های حکمرانی خوب به شمار می‌رود. حاکمیت قانون: حکمرانی خوب نیازمند چارچوب‌های قانونی بی‌طرفانه است که غیر مغرضانه اجرا شوند و توجه به حقوق شهروندی و در رأس آن حقوق اقشار ضعیف و اقلیت‌ها حفظ شود. اجرای بی‌طرفانه قانون تنها باوجود سیستم قضایی مستقل و نیروی پلیس سالم انجام‌پذیر است.اجماع محوری: به این معنا که تصمیمات حکومت باید مبتنی بر منافع درازمدت مردم اتخاذ و صورت بگیرد. و نکته مهم‌تر باید از تمام نظرات مخالف و موافق در تصمیم‌گیری بهره برد تا اجماعی عمومی در بین گروه‌های سیاسی برای نیل به توسعه جامعه صورت بگیرد. در حقیقت فراهم نمودن زمینه ظهور نظرات متفاوت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

اقتصادی، ازجمله اصول حکمرانی خوب می‌باشد. حکمران خوب، باید نظرات مختلف را در قالب وفاق عمومی به سمتی رهنمون گرداند که بیشترین همگرایی را با اهداف کل جامعه داشته باشد. مسئولیت‌پذیری مسئولان: در حکمرانی خوب، سازمان‌ها و نهادها باید در خدمت ذی‌نفعان و در قبال وظایف محول شده مسئول باشند. هر مشکل یا بحران در سطح جامعه را باید سازمان و بخش مربوط مدیریت کند و هیچ معضلی وجود نداشته باشد که کسی خود را در قبال آن مسئول نداند.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

منابع

۱. امامقلی پور، سارا و آسمانه، زهرا (۱۳۹۵)" شاخص حکمرانی در اسلام و تاثیر آن بر بروندادهای سلامت در ایران"، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی،دوره۵ف شماره ۱۵

۲. احمد، خورشید و عرب مازار،(۱۳۹۷)" توسعه اقتصادی در یک چارچوب اسلامی"، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره۷، شماره ۲۵

۳. باقرزاده، محمدسعید؛ طبری، مجتبی؛ مجیبی، تورج؛ باقرزاده محمدرضا (۱۳۹۹) "طراحی و تبیین مدل حکمرانی خوب برای ادرات کل کتابخانه‌های عمومی کشور"، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، شماره ۱، صص۳۱۰-۲۸۹.

۴. صامتی، مرتضی؛ رنجبر، همایون؛ محسنی، فضیلت (۱۳۹۰) "تحلیل تأثیر شاخصهای حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASENA)"، فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، دوره ۱، شماره ۴، صص ۲۲۳-۱۸۳.

۵. صباغ کرمانی، مجید و باسخا، مهدی.(۱۳۸۸) "نقش حکمرانی خوب در بهبود کارکرد هزینه های دولت: مطالعهٔ موردی بخش بهداشت و آموزش کشورهای اسلامی"، نشریه تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۶، صص۲۴-۱.

۶. صفریان، روح‌الله؛ شهرام‌نیا، امیرمسعود؛ امام‌جمعه‌زاده، سیدجواد؛ مسعودنیا، حسین (۱۳۹۸) "الگوی حکمرانی خوب و توسعه ی اقتصادی در ایران و ترکیه (۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷)"، فصلنامه علمی رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ۶۰، شماره ۲، صص۱۱۱-۸۷.

۷. محمودی، امیر (۱۳۹۶) "حکمرانی مطلوب؛ سازوکار ایجاد توانمندی در تحقق توسعه"، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۶، شماره ۴، صص ۲۳۶-۲۱۳.

۸. نصیرخانی، پرویز،(۱۳۹۴)" تأثیر حکمرانی‌خوب به عنوان شاخص‌اخلاقی بر رشد اقتصادی"، نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، دوره۳، شماره ۷

۹. یگانگی، سیده عاطفه؛ الوانی، سید مهدی و معمارزاده طهران، غلامرضا (۱۳۹۵) " اولویت بندی شاخص های حکمرانی خوب در سازمان های کارا (مطالعه موردی: شعب بانک رفاه استان قزوین)"، دوره ۷، شماره ۱، صص ۹-۱.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

10. Addink, Henk (۲۰۱۹), "an Overview of Good Governance", Good Governance, DOI: 10.1093/oso/9780198841159.003.0002, pp.۱۵-۲۴.
11. Alonso, José Antonio and Garcimartín, Carlos (۲۰۰۹) "The Determinants of Institutional Quality, More on the Debate", Journal of International Development, Vol. ۲۵, No. ۲, pp. ۲۰۶-۲۲۶.
12. Ardagna, Silvia (۲۰۰۴) "Fiscal stabilizations: When do they work and why", European Economic Review, Vol. ۴۸, No. ۵, pp. ۱۰۴۷-۱۰۷۴.
i. Barro, Robert (۱۹۹۱) "Economic Growth in a Cross Section of Countries, Quarterly Journal of Economics", Vol. ۱۰۶, No. ۲, pp. ۴۰۷-۴۳۳.
13. Bartolini, David and Ssantolini, Raffella (۲۰۱۷) "Political institutions behind good governance", Economic Systems, Vol. ۴۱, No. ۱, pp. ۶۸-۸۵.
14. Clague, Christopher, Philip Keefer, Stephen Knack, and Mancur Olson (۱۹۹۶) "Property and contract rights in autocracies and democracies", Journal of economic growth, Vol. ۱, No. ۲, pp. ۲۴۳-۲۷۶.
15. Doessel, D. P. and Valadkhani, Abbas (۲۰۰۳) "The Effects of Government on Economic Growth in Fiji", Singapore Economic Review, Vol. ۴۸, No. ۱, pp. ۲۷-۳۸.
16. Facchini, François and Melki, Mickaeil (۲۰۱۳) "Efficient Government Size: France in The 20th Century", European Journal of Political Economy, Vol. ۳۱, pp.۱-۱۴.
17. Frey, Klaus (۲۰۰۸) "Development, good governance, and local democracy", Brazilian Political Science Review (Online) 3, no. SE (۲۰۰۸): ۰-۰.
18. Frivaldo, Florenda S., J. M. Sadera, and D. C. Bueno (۲۰۱۹) "Harmonizing Good Governance across Barangays in a Metropolitan Setting", Institutional Multidisciplinary Research and Development Journal, Vol. ۲, pp.۱۸۴-۱۹۱.
19. GBP (۱۹۹۲) :Political Participation", The Blackwell encyclopedia of political science, edited by Vernon bogdanov, Blackwell.
20. Graham, John Amos (2011), Bruce and Time Plumptre Principles for Good Governance in the 21st Century, Policy Brief No.15 August 2003.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

21. Guichard, Stéphanie, Mike Kennedy, Eckhard Wurzel, and Christophe André (۲۰۰۷) "What promotes fiscal consolidation: OECD country experiences".
22. Haggard, Stephan, Andrew MacIntyre and Lydia Tiede (۲۰۰۷) "The Rule of Law and Economic Development" by University of California-San Diego.
23. Hammache, Ahmad (۲۰۱۷) "Relationbetween good governance and economic growth", University of Paris.
24. Hillman, Arye L. (۲۰۰۳) "Public finance and public policy: responsibilities and limitations of government", Cambridge university press.
25. Huang, Yongfu (۲۰۱۰) "Political institutions and financial development: an empirical study", World Development, Vol. ۳۸, No.۱۲, pp.۱۶۶۷-۱۶۷۷.
26. Kaufmann, Daniel, and Aart Kraay (۲۰۰۸) "Governance indicators: where are we, where should we be going?.", The World Bank Research Observer, Vol. ۲۳, No. ۱, pp.۱-۳۰.
27. Kooiman, Jan (۲۰۰۳) "Governing as Governance", SAGE Publication, London, Thousand Oaks.Calif.and New Delhi.
28. Larch, Martin, and Alessandro Turrini (۲۰۱۱) "Received wisdom and beyond: lessons from fiscal consolidation in the EU", National Institute Economic Review, V0l. ۲۱۷, R1-R18.
29. Lateef, K. Sarwar (۱۹۹۱) "Comment on'Governance and Development", By Boeininger,bIn Proceedings of the World Bank Annual Conference on Development Economic, pp. ۲۹۵
30. Lubna, Hasan (۲۰۱۱) "Rule of law, legal development and economic growth: Perspectives for Pakistan", J. Advanced Res. L. & Econ. ۲ (۲۰۱۱): ۴۸.
31. Milbrath, Lester W. (۱۹۸۱) "Political participation", The handbook of political behavior, Springer, Boston, MA.
32. Mobius, M. (۲۰۰۱) "Good governance is a global challenge", Corporate Board, Vol. ۲۲, pp.۱-۴.
33. Plumptre, Timothy Wynne and John Graham (۲۰۰۰) "Governance in the new millennium: challenges for Canada", Institute on Governance.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

34. Rafigh Alrahman, Aboo Tayeb (1384), Improving Government Performance through Administrative System Reforms, Safar, Mohammad, Management and Planning Organization Publishing, First Edition.
35. Rahimi, Akhtar (۲۰۱۸), " Governance, corruption and economic growth", Pakistan Economic and Social Review, Vol. ۵۶, No. 1, pp.۱-۲۰.
36. Rahimi, Roohallah, and Shakeri Hamid (۲۰۱۶) "Reflection on judicial system's corruption and offering solutions to promote its safety", *J. Pol. & L.* Vol. ۹, pp.۱۸۷.
37. Renani, Mohsen (۱۳۸۳) "The Role of Government in Institutional Reforms through Legislation", Journal of Majlis Research Center, Vol. ۳۹, pp. ۱۳-۳۰.
38. Rose, Jonathan (۲۰۰۴) "The Rule of Law in the western world: an overview", Journal of social philosophy, Vol. ۳۵, No.۴, pp. ۱-۲۴.
39. Rose–Ackerman, Susan (۲۰۰۸) "Corruption and government. International peacekeeping", Vol. ۱۵, No.۳, pp.۳۲۸-۳۴۳.
40. Rose-Ackerman, Susan and Bonnie J. Palifka (۲۰۱۶) "Corruption and government: Causes, consequences, and reform", Cambridge university press.
41. Saeidi, Khalil (۱۳۸۶) "Developement Theories, Cooperative Company of Culture and Arts Entrepreneurs Publishing", First Edition.
42. Shah, Naimatullah&Mangi, Shahnawaz. (2018).IS GOOD GOVERNANCE POSSIBLE THROUGH TACTICS. August Conference: national Graduate Conference, At Allama Iqbal Open University Islamabad, University of Sindh.
43. Singh, N. (2014). Decentralization and legal empowerment. In Decentralizing governance. Emerging concepts and practices, ed. G. Shabbir Cheema and Dennis A. Rondinelli, 229-241. Washington DC: Brooking Institution Press.
44. Smith, B. C. (۲۰۱۵) "Good governance and development", Houndsmills/New York: Palgrave MacMillan.
45. Stratford, Elaine (2007). Sustainable development and good governance: Pathways to good Practice in regional governance. No.3.

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

46. Un Escap (۲۰۰۹) "What is Good Governance?", At: http:/www. Unescape. Org/huset/22/Governance.htm.
47. UNDP (2000) "Characteristics of Good governance", The Urban Governance initiative TUGi. UN-HABITAT (2002).The global campaign on Urban Governance. www.un habitat.org

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]

[Downloaded from mieaoi.ir on 2026-11-05]